روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲۶ آبان ۱۳۹۹ • ۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ • ۱۶ نوامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۶۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۶
اذان صبح فردا ۵:۱۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

بارش شدید باران هفته گذشته موجب آب‌گرفتگی معابر و سختی عبور و مرور در شهر اهواز شد. / عکس: محمدرضا صالحی، باشگاه خبرنگاران جوان

زندگی دیگران

تجربه یک مرگ

گاردین: ارنست بواتنگ هفته گذشته به نخست‌وزیر - بوریس جانسون- نامه نوشت و از او درخواستی برای خانواده‌های آینده کرد. از او خواست که کارفرمایان را مجبور کند به همه زنان باردار اجازه دهند از خانه کار کنند یا حقوق کامل را با ۲۰ ساعت در هفته دریافت کنند. قبل از همه‌گیری، ارنست بواتنگ و همسرش مری آگیووا آگیاپونگ در حال برنامه‌ریزی برای آینده بودند. آنها در انتظار فرزند دوم‌شان بودند و مری می‌خواست - پس از مرخصی زایمان - یک پرستار متخصص دیابت شود؛ اما وقتی ویروس کرونا سراسر انگلیس را تصرف کرد، در هفتم آوریل در بیمارستانی که مشغول به کار بود، به دلیل کرونا بستری شد و کمی بعد از سزارین اضطراری درگذشت. حالا همسر او «ارنست» با دو فرزندش تنها مانده است. او درحالی‌که دختر تازه به دنیا آمده‌اش را در آغوش دارد، می‌گوید: «من کاملا گم شده بودم. من مجبور شدم از جایی که متوقف شده‌ام، تلاش کنم و سفر را ادامه دهم».

از نظر بواتنگ، این سفر به معنای تبدیل‌شدن به تنها سرپرست دو کودک خردسال است؛ اما او اکنون در مبارزه‌ای برای خانواده‌های آینده نیز تلاش می‌کند و می‌گوید: «مبارزبودن تجربه تازه‌ای است؛ اما اکنون بخشی از زندگی من شده است. زنان باردار باید مورد محافظت قرار بگیرند. من نمی‌خواهم هیچ خانواده‌ای دچار آسیبی بشود که من و فرزندانم درگیر آن شده‌ایم». دیوید کارتر، مدیر اجرائی NHS، گفت: «مری یک پرستار افسانه‌ای بود و یک نمونه عالی از آنچه ما آن را تشویق می‌کنیم». حالا بیش از هفت ماه از مرگ او می‌گذرد؛ اما برخی از روزها بواتنگ هنوز تلاش می‌کند که باور کند مری رفته است. او می‌گوید: «گاهی اوقات تصور رفتن او برایم شوک‌آور است. وقتی تنها هستم از خودم می‌پرسم: آیا او واقعا مرده است؟ آیا او واقعا رفته است؟ حالا چگونه می‌توانیم زندگی کنیم؟ من نتوانسته‌ام به طور کامل با این واقعیت کنار بیایم که او از زندگی من رفته است. پرستاری و مراقبت از مردم کاری بود که او دوست داشت انجام دهد». بدون فکرکردن، بدون ثانیه‌ای تأمل‌کردن، او ناگزیر از مراقبت فرزندانش شد. این پدر می‌گوید: «من نمی‌دانم چگونه این کار را انجام می‌دهم؛ اما فقط انجام می‌دهم، برنامه‌ای ندارم، هیچ کتابی ندارم که به آن مراجعه کنم. تنها چیزی که من را نجات می‌دهد، این است که بچه‌هایم را دوست دارم و می‌دانم باید بیشترین تلاش را برای‌شان انجام دهم، نمی‌توانم آنها را مأیوس کنم». این زوج در سال ۲۰۱۶ با یکدیگر آشنا شدند، زمانی که او پرستار بود و در دانشگاه آکسفورد بروکس تحصیل می‌کرد. آنها هر دو اصالتا اهل غنا بودند؛ اما آگیووا آگیاپونگ (مری) از ۱۶سالگی در انگلستان زندگی می‌کرد، بواتنگ پس از ۱۲ ماه هنوز درگیر سازگاری خود با مهاجرتش بود. همسرش به او کمک کرد تا با زندگی انگلیسی آشنا شود و آن را درک کند. هر دو تلاش می‌کردند که به هر دو فرهنگ احترام بگذارند؛ اما حالا بواتنگ مانده است با ای‌جی سه‌ساله و مری دختر هفت‌ماهه‌اش. در خانه آنها، تصاویر مری و خانواده کنار هم، بر دیوارها قرار دارد. بواتنگ می‌گوید قلب پسرشان مانند مادرش پر از مهربانی است. بارها و بارها در روز به سراغ پدر می‌رود و حالش را می‌پرسد. ای‌جی که تجربه شنیدن گریه پدرش در روزها و هفته‌های بعد از مرگ مادر را دارد، گاهی او را نیمه‌شب بیدار می‌کند تا ببیند آیا گریه می‌کند یا نه! بواتنگ می‌گوید: «بعد از مرگ مادرش تنها کاری که می‌توانستم انجام دهم، این بود که مدام او را بغل کنم. حالا او به این نتیجه رسیده که احساسات نجات‌دهنده است».

روزگار کرونایی

عادی مثل عدد ۴۰ هزار جان‌باخته کرونا

سامان موحدی‌راد

تا قبل نهم مهر امسال گمان می‌کردم کرونا قطعا سراغ ما نمی‌آید. رعایت پروتکل‌های بهداشتی و کار از خانه در بیشتر روزهای هفته و کمتر بیرون‌رفتن از منزل در چند ماه اخیر به زندگی ما تحمیل شده بود. بااین‌حال فکر می‌کردم با این سطح از رعایت‌کردن به آن مبتلا نمی‌شویم و بیماری برای آنهایی است که در خیابان ماسک نمی‌زنند یا دیگر سنت شستن خریدها را فراموش کرده‌اند. اما روز نهم مهر، وقتی ابتدا تست کرونای همسرم و سپس خودم مثبت شد، فهمیدم کرونا به‌هیچ‌وجه شوخی‌بردار نیست. دو ماه از درگیری ما با کرونا می‌گذرد و غیر از روزهای سختی که داشتیم، هنوز زندگی به روال عادی برنگشته است. عجیب‌تر اینکه این روزها مدام خبرهای ابتلای دوستان و نزدیکانمان به این بیماری را می‌شنویم. بیماری از آنچه فکرش را می‌کنیم به ما نزدیک‌تر است. حتی طبق آمار رسمی در همین دو روز پیش، تعداد کشته‌شده‌های این بیماری در ایران از مرز ۴۰ هزار نفر هم گذشت و هنوز آمار آن در ایران نزولی نشده و در بالاترین حد در ۹ ماه گذشته است؛ بماند که طبق گفته‌های مسئولان، در همین یک ماه گذشته باید این عدد را روزانه در عددی بین ۲.۲ تا سه ضرب کرد تا به عدد واقعی رسید. در چنین شرایطی، مدام از مسئولان کشوری شنیده می‌شود که باید کشور را تعطیل کرد. از نمایندگان شورای شهر تا نمایندگان مجلس و اعضای ستاد ملی مبارزه با کرونا، همه و همه این روزها از لزوم تعطیلی دوهفته‌ای حرف می‌زنند؛ اما گویا آن کسی که باید حکم به تعطیلی تهران بدهد، یافت نمی‌شود. چندی‌پیش رئیس‌جمهور اجازه تعطیلی را به هر استانداری واگذار کرده بود تا اگر شرایط در هر استان بنا بر دلایلی از کنترل خارج شد، استانداری رأسا بتواند آن را تعطیل کند؛ اما عجیب اینکه این اتفاق تاکنون در استانی مثل تهران که بنا بر گفته محسن هاشمی این روزها عزادارترین شهر جهان است و روزانه بیش از ۲۰۰ نفر در آن بر اثر کرونا جان می‌بازند، رخ نداده است. اتفاقات کلی که در کشور به‌ویژه در این یک ماه و با شدت‌گرفتن بیشتر مرگ‌ومیرها رخ داده است، نشان می‌دهد که نخست مرگ‌ومیرها برای مردم و مسئولان عادی شده و دیگر تنها یک عدد روزانه است که بزرگی یا کوچکی‌اش کسی را شوکه نمی‌کند. دیگر اینکه بسیاری از نهادها در ایران یا به قدرت خود آگاه نیستند یا اینکه قدرت چندانی ندارند. در واقع در این روزها همه و همه از مسئولان کشوری از لزوم تعطیلی دوهفته‌ای حرف زده‌اند، ولی اینکه چه کسی باید این تعطیلی را اعلام کند، مثل بسیاری از موارد دیگر، موضوعی است که در یک ابهام بزرگ به سر می‌برد. به‌جز مسئولان کشوری که علاقه‌ای به دیدن آمار و ایجاد حساسیت درباره آن ندارند، به نظر می‌رسد این موضوع برای مردم هم دیگر بسیار عادی شده است. روز گذشته ویدئویی از یکی از مراکز خرید غرب تهران وایرال شده بود که در آن گروه زیادی از مردم برای خرید از یک فروشگاه کیف‌وکفش در روزهای حراج‌شان ازدحام کرده بودند. در واقع در سایه عادی‌سازی مرگ‌ومیرها در این روزها، مسئولان و مردم در کنار هم چشم بر مرگ گروه گسترده‌ای از هم‌وطنان‌مان بسته‌اند؛ روزهای سختی که گویا باید تنها امیدوار به جان به‌دربردن از آن باشیم.

مهاجران

غرق‌شدن در دریا

یورونیوز: درحالی‌که دیروز جنازه خانواده ایران‌نژاد که در آب‌های مانش غرق شده بودند، به ایران بازگشت، بازهم قایقی دیگر از مهاجران در دریا غرق شد و عده‌ای دیگر از کسانی که با رؤیای زندگی خوب از کشور خود مهاجرت کرده بودند، در دریا جان سپردند. پزشکان بدون مرز از غرق‌شدن یک قایق دیگر مهاجران، این بار در نزدیکی سواحل لیبی خبر دادند. با واژگونی این قایق، ۲۰ نفر کشته شدند. این در حالی است که چند ساعت پیش از این حادثه، ۷۴ مهاجر دیگر در حادثه‌ای مشابه جان باخته بودند. این سازمان غیردولتی در حساب توییتر خود گفت: «تیم‌های پزشکان بدون مرز در نزدیکی شهر صرمان (شمال شرقی لیبی)، سه زن را نجات دادند که تنها بازماندگان غرق‌شدن قایقی بودند که ۲۰ نفر قربانی داشت». همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود، افراد نجات‌یافته در شوک و وحشت هستند؛ چراکه شاهد بودند عزیزانشان در زیر امواج دریا ناپدید شده و در مقابل چشمانشان جان باختند. اندکی قبل از این حادثه، سازمان بین‌المللی مهاجرت تعداد قربانیان یک قایق را در نزدیکی سواحل شهر خمس که در فاصله ۱۸۰کیلومتری شهر صرمان است، دست‌کم ۷۴ نفر اعلام کرد. گارد ساحلی لیبی و ماهیگیران توانستند ۴۷ نفر را نجات دهند و به ساحل منتقل کنند. لیبی از زمان سقوط حکومت معمر قذافی در سال ۲۰۱۱، همچنان بی‌ثبات است و با وجود

توافق میان دولت وحدت ملی از یک سو و خلیفه حفتر و حامیانش از سوی دیگر، هنوز حاکمیت منسجمی در این کشور وجود ندارد. با وجود ناامنی، این کشور از سال ۲۰۱۱ همچنان به یک نقطه مهم ترانزیتی برای مهاجرانی که به دنبال رسیدن به اروپا هستند، تبدیل شده است. البته دیگر کشورهای آفریقا نیز مکانی برای غرق‌شدن مهاجران هستند؛ دو هفته پیش در پی غرق‌شدن یک کشتی حامل پناه‌جویان در آب‌های سنگال واقع در غرب آفریقا، بیش از ۱۴۰ مهاجر جان خود را از دست دادند. بنا بر گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، این حادثه مرگ‌بارترین حادثه غرق کشتی مهاجران در سال ۲۰۲۰ میلادی محسوب می‌شود. این کشتی با حدود ۲۰۰ سرنشین، شهر ساحلی «ام‌بور» در سنگال را به مقصد جزایر قناری اسپانیا ترک کرد، اما در همان ساعات اولیه حرکت آتش گرفت و در سواحل شمال غرب سنگال غرق شد. ۵۹ نفر از مهاجران نجات‌یافته و بقیه غرق شده‌اند.

آکادمی

زنبیل خالی من

بابک زمانی
نورولوژیست

هفته گذشته بالاخره نصایح و سرکوفت‌ها به نتیجه رسید و درنهایت موبایل و فضای مجازی را کنار گذاشتم و وظایفم به‌عنوان مسئول خانواده را در بخش مقابله با این ویروس نابکار تمام‌قد برعهده گرفتم. خوشبختانه فقط یک جست‌وجوی مختصر در گوگل توانست راه نجات و همچنین راه انجام وظایفم را به من نشان دهد؛ یک جزوه کاملا به‌روز مربوط به همین آبان ۹۹ که وزارت بهداشت عزیز کشورمان با همت گروهی از متخصصان آن وزارت منتشر کرده، راهنمای من شد. جزوه‌ای حاوی راه‌حل‌هایی متعدد برای پیشگیری و مقابله با کرونا، آن‌هم راه‌حل‌هایی به‌دور از این داروها و روش‌های شیمیایی لعنتی! همه طبیعی، همه پاک، همه سالم و گیاهی! امروز هم از اول صبح زنبیل بازنشستگی در دست در حال تهیه تک‌تک مواد رازآمیز داخل جزوه بودم؛ موادی که من حتی از وجودشان اطلاع نداشتم و تازه، متأسفانه پیدا هم نمی‌شدند. از صبح اول وقت، درحالی‌که عیال در منزل پشت جبهه را حفظ کرده بودند و با موبایل و از طریق واتس‌اپ در حال مشورت‌دادن بودند، مشغول پیداکردن زنجبیل و دارچین و تخم گشنیز، شربت جلاب، دمنوش زوفا، سرخار گل و اکیناسه و مواد دیگری بودم که تا آن موقع فقط دو، سه تای‌شان را پیدا کرده بودم و ته زنبیل این‌طرف و آن‌طرف قِل می‌خوردند. بسیاری از مغازه‌دارها هم که حتی اسم برخی از مواد را نشنیده بودند. تازه، در این شلوغی بازار که وقت هم تنگ بود و قبل از ساعت شش باید در منزل می‌بودم. فکر کردم شاید هم برخی دوستان و عزیزانِ زرنگ‌تر از ما ریشه هرچه اکیناسه و زوفا و... را از ته درآورده‌اند. اشکالی ندارد؛ دیگران به جای ما، دست‌کم تأثیرش این است که ان‌شاءالله از همین فردا کرونا شروع می‌کند به فروکش‌کردن. بعد از این جست‌وجوها بود که من واقعا به این وزارت بهداشت خودمان ایمان آوردم و تحسینش کردم. چندی‌پیش صبیه، برای فارغ‌التحصیلی‌اش باید پایان‌نامه‌ای مرتبط با مسائل پزشکی می‌نوشت. آن موقع بود که متوجه شدم برای کوچک‌ترین اظهارنظری درباره مسائل پزشکی از چه هفت‌خان دشواری باید گذشت؛ از رعایت اخلاقیات کلی تحقیق گرفته تا اطلاع بیماران داوطلب از تحقیقاتی‌بودن موضوع تا اطمینان از سلامتی درمان و اظهارنظر درباره تأثیر درمان با درنظرگرفتن بهبودی خودبه‌خودی و اثر پلاسبو (تأثیر باور و تلقین در درمان) و... . واقعا وزارت عزیز ما با چه نیروی شگرفی (در انتخاب کلمات هم آدم دچار مشکل می‌شود) درباره تمام این مواد که تازه من اسامی برخی‌شان را از صفحه اولِ ۲۹ صفحه جزوه ذکر کردم، مطالعه دقیق علمی کرده و بی‌خطری و تأثیر آنها را که نیازمند درک عمیق از سازوکار ویروس و یک مطالعه علمی بی‌نظیر و طبق مقررات فوق است، تشخیص داده و با این حجم عظیم در دسترس ملت قرار داده، دست مریزاد واقعا! اما مشکل من با این جزوه طلایی محدود به این کلمات و راه دستیابی به همه مواد (و البته هزینه خریدن مواد و خطرات جست‌وجو در این بحبوحه کرونا) نیست؛ بلکه مشکلات بیشتری دارم که البته مربوط به سطح سواد و دانش خودم است. مثلا نمی‌دانم «روایح ملایم» یعنی چه؟ یا مثلا حد «اجتناب از بسیار کم‌خوردن» کجاست؟ یا اینکه چگونه می‌شود از شرایط تنش‌زای فعلی با این زنبیل خالی اجتناب کرد یا اینکه مطابق دستور جزوه هم آرامش «روحی» را حفظ کرد، هم آرامش «معنوی» را. خیر، اشکالی در این دستورالعمل‌ها نیست. اشکال از خود بنده است. درحالی‌که تلاش می‌کنم آرامشم را (دست‌کم روحی، معنوی بماند) که حفظ‌کردنش آسان‌تر است، حفظ کنم، موبایل را بیرون آوردم و به همسر نگرانِ آن سوی خط گفتم: «خیر، ما لایقش نیستیم. سطح این جزوه از سطح سواد ما بالاتر است؛ اما نگران نباش، وزارتخانه‌ای که تا این حد برای رفاه ما تلاش می‌کند، لابد از دیگر جنبه‌ها هم تمام موازین علمی را با دقت رعایت می‌کند. مگر ۳۰ سالِ تمام سر کلاس فیزیک به بچه‌های مردم نمی‌گفتیم مهم‌ترین نکته اطمینان به دانش و فرمول‌های علمی است؟ مگر نمی‌گفتیم هر کارِ خردی که می‌کنید و هر مسئله‌ای که حل می‌کنید، فقط نمونه و مصداقی است از باور به دانش و کاربست عقل در کارها؟ روش مهم است نه مصداق!». جوان‌ها می‌گویند آوازه‌خوان نه آواز. بله، مسئله اصلی همین است و بس. دستور سنتی فقط یک نمونه است.

گذر

از «روغن بنفشه» به «شیرین‌بیان»

یک بار دیگر بحث استفاده از فنون طب سنتی، گیاهی، اسلامی یا هر اسمی که بر آن می‌گذارید، در درمان کرونا در ایران جدی شده است.

این بار دیگر پای یک روحانی و یک خطیب جنجالی در میان نیست و این مجلس یازدهم است که به مدد رئیس کمیسیون بهداشت و درمانش، این هفته یکی از مسئولان وزارت بهداشت را به مجلس می‌کشانند تا این بار از او سؤال کنند. طبق دستور کار این هفته مجلس، یکی از میهمان‌های مجلس شورای اسلامی در این هفته، رئیس کمیته طب سنتی است تا درباره استفاده از این طب در درمان کرونا پاسخ بدهد. اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود؛ به نظر می‌رسد ایده استفاده از طب سنتی و گیاهی در درمان کرونا در میان اعضای کمیسیون بهداشت مجلس یازدهم طرفداران زیادی دارد.

ابتدا این زهرا شیخی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس بود که هفته گذشته از افتتاح اولین مرکز تخصصی طب ایرانی ویژه کرونا در کشور خبر داد. شیخی راه‌اندازی این مرکز را کاملا خودجوش و «آتش به اختیار» توصیف کرد و گفت: این مرکز به صورت کاملا جهادی و آتش به اختیار در راستای دستورات مقام معظم رهبری در سیاست‌های ابلاغی سلامت و به‌منظور افزایش سطح ایمنی و کاهش اضطراب و نگرانی بر اساس آموزه‌های طب سنتی راه‌اندازی شده است». خانم شیخی همچنین با انتقاد از وزارت بهداشت برای بی‌توجهی به این مسئله گفت: «تعلل در به‌کارگیری از طب سنتی ایرانی در درمان بیماران مبتلا به کرونا و بی‌توجهی به دستاوردها و ظرفیت عظیم این حوزه، موجب می‌شود روزانه شاهد فوت بیش از ۴۰۰ نفر از عزیزانمان باشیم؛ نباید اجازه دهیم چشمانمان به این آمارهای بالا عادت کند. از این‌رو انتظار داریم وزارت بهداشت و درمان هرچه سریع‌تر نسبت به تشکیل کارگروه طب سنتی ایرانی اقدام و از این ظرفیت بالقوه کنار دیگر ظرفیت‌های موجود برای حفظ سلامت مردم استفاده کند».

بعد از زهرا شیخی، فاطمه محمدبیگی، دبیر کمیسیون بهداشت و سلامت مجلس شورای اسلامی، در یکی، دو روز گذشته از لزوم استفاده از طب سنتی و گیاهی در درمان کرونا صحبت کرده بود. خانم محمدبیگی همچنین خواستار افزایش ساعت کاری عطاری‌ها برای مبارزه با کرونا شد و گفت: «در کشورهای چین، تایوان و اروپا برخوردهای مقتدرانه در اجرای شیوه‌نامه‌های بهداشتی، استفاده از ظرفیت‌های مردمی و طب سنتی سه عامل مهم در کنترل همه‌گیری کرونا بوده است. این روزها ساعات کاری عطاری‌ها باید افزایش یابد و مطالعات ثابت کرده شیرین‌بیان ضد کووید۱۹ است. عطاری‌ها باید مانند داروخانه‌ها با ارائه داروهای گیاهی به مردم خدمت کنند و این موضوع باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد».

جدی‌شدن این مسئله موجب شد تا حتی سازمان غذا و دارو هم در اطلاعیه‌ای به مسئله صدور مجوز برای چند داروی گیاهی درمان کرونا بپردازد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: بر این اساس طبق بررسی‌های صورت‌گرفته تاکنون چهار فراورده طبیعی با اجزای گیاهی موفق به اخذ مجوز از کمیسیون قانونی سازمان غذا و دارو برای بهبود علائم بیماری کووید۱۹ شده‌اند و برای دو مورد آن مجوز موقت تولید به مدت شش ماه صادر شده است.

این برای دومین‌بار در ۹ ماه اخیر است که بحث استفاده از این شیوه طب و درمان برای مبارزه با کرونا در ایران جدی می‌شود. اولین‌بار در همان روزهای اول شیوع این بیماری در ایران بود که یک روحانی به اسم تبریزیان و یک خطیب به اسم روازاده که پیش از این هم با حرکات جنجالی‌شان معروف بودند، با ادعای درمان گیاهی یا اسلامی کرونا به میان آمده بودند. در آن روزها «روغن بنفشه» کلیدواژه‌ای بود که کاربران زیادی درباره آن حرف می‌زدند؛ اما در نهایت چند روز بعد از مطرح‌شدن این ادعاها، تصمیم بر این شد که همه به سیاست‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا و پروتکل‌های آن پایبند باشند. همین مسئله موجب شد با قاطعیت با این مسائل در روزهای نخست مبارزه با کرونا برخورد شود. اگرچه در این مدت هرازگاهی حضور برخی چهره‌های ناشناخته در رسانه ملی و صحبت از درمان سنتی این بیماری جنجالی می‌شد، اما تاکنون هیچ‌گاه نبوده که یک مقام رسمی پیگیر این ماجرا بوده باشد. حالا اما دو چهره شناخته‌شده کمیسیون بهداشت و درمان مجلس به‌طور جد پیگیر این ماجرا هستند و از حرف‌ها و اقداماتشان برمی‌آید که به مؤثربودن این طب ایمان دارند.

اتفاق

احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران:

روز کتاب‌گردی نوروز کتاب‌فروشی‌هاست

● احمد مسجدجامعی در جلسه شورای شهر تهران در ابتدای سخنان خود در صحن شورای شهر و پس از گرامیداشت روز کتاب و کتاب‌خوانی از سوی مهندس هاشمی، رئیس شورای شهر تهران، گفت: خوشبختانه روز کتاب و کتاب‌خوانی هم سال‌هاست به هفته کتاب تبدیل شده؛ مانند روز تهران که به هفته تهران انجامید. پنجشنبه آخر هفته کتاب هم، روز کتاب‌گردی است که از ابتکارات شوراست و اعضای محترم شورا ازجمله رئیس محترم شورا آقای مهندس هاشمی هم در این روز بارها میهمان و میزبان خبرنگاران، ناشران و اهل کتاب و کتاب‌خوانی بوده‌اند. روز کتاب‌گردی به گفته برخی ناشران و کتاب‌فروشان، نوروز کتاب‌فروشی‌ها است. عضو شورای شهر تهران با اشاره به اینکه هر سال روز کتاب‌گردی با شعار «من هم می‌آیم» همراه است، گفت: امسال به دلیل گسترش کرونا چنین شرایطی وجود ندارد و شعار «من هم می‌آیم» تبدیل به شعار «کتاب می‌آید» شده است. او در ادامه به چگونگی اجرای برنامه‌های هفته کتاب پرداخت و اظهار کرد: ساختاری هم برای هفته کتاب طراحی و پیش‌بینی شده که با همکاری شهرداری، خانه ادبیات و کتاب ایران، بخش پست مخابرات، پیک بادپا و دیگر بخش‌های خصوصی شبکه‌های توزیع کالا و خدمات اجرا می‌شود تا کتاب به‌ویژه در روز کتاب‌گردی در شهر تهران رایگان و در دیگر نقاط با بهایی بسیار کم به دست دوست‌داران کتاب برسد. در واقع بخش‌های دولتی و خصوصی متعهد شدند که کتاب را آسان و ارزان یا بی‌هزینه به دست علاقه‌مندان برسانند. او ضمن بیان این موضوع که خوب است شهرداری‌های دیگر نقاط الگو و مدیریت شهری تهران را پیش‌رو داشته باشند، به اجرائی‌نشدن برخی مصوبات شورای شهر تهران درباره کتاب پرداخت و گفت: می‌خواهم به مناسبت هفته کتاب و کتاب‌خوانی مروری داشته باشم بر برخی مصوباتی که پس از کتاب‌گردی‌های پیشین در شورای شهر تصویب کردیم و اجرائی نشده است؛ یکی عملیاتی‌کردن طرح الزام شهرداری تهران به نصب راهنما برای کتاب‌فروشی‌ها در مناطق ۲۲گانه است. البته برخی مناطق این کار را خودجوش انجام داده‌اند. رئیس ستاد شورایاری‌های شهر تهران با یادآوری این موضوع که خانه کتاب، اتحادیه ناشران و شورایاران فهرستی از کتاب‌فروشی‌ها تهیه کردند و ما آن را در اختیار شهرداری قرار دادیم، گفت: «انجام این کار برعهده سازمان زیباسازی بوده است. کار دشواری هم نیست. هم به شهر یک لطف و روحی می‌دهد، هم نشان‌دهنده رویکردی مناسب از ناحیه مدیریت شهری و شورای شهر به دانایی است. من از شهرداری تهران می‌خواهم این کار را سریع انجام دهد؛ چون چندان وقتی نداریم. شورایاران هم خیلی به این کار مُصر هستند و در این زمینه آماده همکاری‌اند؛ چون کتاب‌فروشی‌ها در حقیقت پاتوق فرهنگی محله‌اند». مسجدجامعی در توضیح دومین مصوبه‌ای که اجرائی نشده است، گفت: دومین مصوبه، گنجاندن لایه کتاب‌فروشی در نقشه‌های تهران است که هنوز عملیاتی نشده. در این زمینه هم به‌راحتی می‌توانیم در نقشه‌های تهران لایه‌ای جدید بگذاریم که بتوان کتاب‌فروشی‌ها را در هر محله‌ای شناسایی کرد. امیدوارم در همین هفته کتاب در نقشه‌ها قرار گیرد و با کمک شهرداری و ناشران و مراکز اطلاع‌رسانی اطلاعات این کار جمع‌آوری شود.

امیدوارم کسانی که پس از ما می‌آیند، برنامه‌های هفته کتاب و روز کتاب‌گردی را ادامه دهند.

عضو شورای شهر تهران در ادامه گفت: طبیعتا امسال هم می‌توانیم کتاب‌گردی را با همان روال گذشته، به صورت مجازی داشته باشیم و در کتاب‌فروشی‌ها حضور پیدا کنیم، در نشست‌های آنها مشارکت داشته باشیم و کتاب‌هایی را هم سفارش بدهیم. تشکری هم دارم از همه دوستانی که در این سال‌ها و در روز کتاب‌گردی در کل کشور در کتاب‌فروشی‌ها حضور پیدا کردند و ان‌شاءالله کسانی که بعدها هم خواهند آمد، این راه را ادامه بدهند.

او به مناسبت هفته کتاب، درباره فداکاری‌های جامعه تعلیم و تربیت کشورمان اظهار کرد: چون هفته کتاب است، جا دارد از جامعه تعلیم و تربیت هم تشکری کنم. اینها چراغ دانایی را در شرایط دشوار هم همچنان روشن نگه داشته‌اند که آخرین‌شان هم شادروان خانم مریم اربابی است که حتی روی تخت بیمارستان و در اوج بیماری تعلیم و تربیت را پاس داشت. مسجدجامعی با بیان اینکه در تهران نیز نمونه‌های زیادی از تلاش بی‌وقفه فرهنگیان وجود داشته و دارد، یادآور شد: در خود تهران هم از این نمونه‌ها بسیار داریم. در حوالی میدان شوش مدرسه‌ای هست که تاریخ افتتاح آن مهر ۱۳۲۰ است. این تاریخ نشان می‌دهد که در اوج اشغال تهران و با وجود جنگ جهانی دوم و همه مسائل و مشکلات کشورمان، معلمان نگذاشتند چراغ آموزش و پرورش خاموش شود. ۲۵ شهریور همان سال که قدرت سیاسی از هم پاشیده بود و نظام سیاسی بدون حاکم بود، چراغ آموزش و فرهنگ را معلمان روشن نگه داشتند. او پیشنهاد داد برخی مراکز آموزش و پرورش به نام معلمان فداکار نام‌گذاری شود و در پایان گفت: از معلمان عزیز کشور بسیار تشکر می‌کنم که نمونه‌های ایثار و فداکاری آنها بسیار است. امیدوارم ما و دیگران طرح‌هایی را تصویب کنیم که نشانگر توجه ما به تلاش‌های بی‌وقفه این عزیزان هم باشد.